

مباحث تاریخی

۱- قبر یعقوب بن لیث

تعیین محل وفات و دفن مؤسس سلسلة صفاریان بقلم آقای نیکلا راست

در احیای هلیت ایران و زبان فارسی بعد از تسلط عرب و رایج شدن زبان عربی خاندانهای سلاطین بعد از اسلام در ایران در چهار قرن اوّل هجری بخصوص خاندانهایی که در ایران شرقی بوجود آمده بودند دخالت مهمی داشته‌اند. از آن جمله دخالت خاندان سامانی شاید از همه آنها مهمتر باشد ولی در عین حال اهمیتی که در اوایل این عهد خاندان طاهریان و صفاریان همچنین در اواخر این مرحله تاریخی خاندان غزنویان از این‌حیث داشته‌اند نیز قابل توجه است و چگونگی جهات اجتماعی بوجود آمدن آنها تاکنون بطوری که باید و شاید مطالعه و روشن نگرددیده است.

بدون تردید یکی از برجسته‌ترین قائدین این نهضت که مقاصد باطنی تاریخی آن روی هم رفته احیای ایرانیت در قلمرو سکونت طوابیف ایرانی نزد و کوتاه کردن دست فاتحین خارجی از حکومت و اخراج آنها از ایران بوده یعقوب بن لیث صفاری است ولی استانی لین پول مستشرق بسیار مطلع در باب بعضی از قسمت‌های تاریخی مشرق زمین اتفاقاً در این باب بر اثر پی نبردن بجهات اصلی این جنبش ملی یعقوب را «یکی از وجود‌های اتفاقی» شمرده است.^۱

طوری‌که استانی لین پول هینویسد یعقوب بن لیث از ریاست عیاران بسرداری

۱ - استانی لین پول - طبقات سلاطین اسلام - ترجمه عباس اقبال - ظهران . ۱۲۱۲ ، صفحه ۱۱۶

سپاهیان سیستان رسیده و اندکی قبل از سال ۲۲۵ هجری قمری امارت سیستان را بدست آورده و بنایسیس سلسلهٔ پادشاهان مخصوصی پرداخته است.

نظر باین‌که مؤسس این سلسلهٔ یعنی یعقوب در ابتدا مدت زمانی با تفاق برادران دیگر خود عمرو و علی و طاهر برویگری اشتغال داشتند سلسلهٔ ایشان را بطور کلی «صفاریان» گویند.

چگونگی پیشرفت کار یعقوب در زاده استحکام امارت و توسعهٔ قلمرو نفوذ خود و مستخلص نمودن تدریجی بلاد و ایلات دیگر ایران از استیلای عرب در اینجا مطرح نیست زیرا که منظور از نکاشتن این مقاله چنانکه از عنوان آن روشن است بسیار محدود است.

بطور خلاصه بعد از فتح فارس یعقوب حوزهٔ حکمرانی خود را بخوزستان توسعه داد و شخصاً هم با آن سرزمین آمد و در آنجا متوقف و تدارکات مهمی برای لشکرکشی بقصد بغداد پایتخت خلفای عباسی مشغول گردید.

حکیم و شاعر و سیاح شهیر ایرانی حکیم ناصر خسرو که در حدود ۱۸۸ سال پس از فوت یعقوب در برگشتن از سفر مکه و مصر و فلسطین موقعی که در بندر هژرویان از بنادر خوزستان در آن زمان در ساحل فارس (بین هندیجان و دیلم فعلی) از کشتی پیاده شده چنین مینگارد:

«ودر مسجد آ دینه آنجا برمنبر نام یعقوب لیث دیدم پرسیدم از یکی که حال چگونه بوده است گفت که یعقوب لیث تا این شهر را گرفته بود ولیکن دیگر هیچ امیر خورasan را آن قوت نبوده است^۱ »

هنگام سلط یعقوب بر خوزستان معتمد خلیفهٔ عباسی ناچار شد پیشرفت یعقوب توجه بیشتری معطوف دارد بهمین جهت برادر خود موفق را بالشکری بمنظور جلوگیری از او بفرستاد. این لشکر یعقوب را شکست داد و اگرچه آن

شکست قاطع نبود مع هذا یعقوب را متوقف نمود. محاربة دیگر بین طرفین در نزدیکی دیر عاقول و بر طبق گفته حمدالله مس تو فی قروینی در حوالی حلوان که هر دو نقطه مذکور جزء آبادیهای قدیمه عراق اند بوقوع پیوست^۱ و با اینکه بنابر اشاره های مورخین یعقوب رشادت فوق العاده بخراج داده بود لیکن نتیجه نگرفته شکست خورد و بطرف خوزستان عقب نشینی نمود و بعد از مدت مختصری بر اثر بیماری قولنج فوت نمود و در همانجا مدفون گردید.

مورخین ضمناً تفصیلات ذیل را از آخرین ایام زندگی یعقوب لیث می‌آورند و می‌گویند که موقعی که یعقوب سخت مریض و بستری بود خلیفه چون از او هنوز ترس زیاد داشت و هنرمند تجدید تدارکات و حمله مجدد او بود قاصدی نزد او روانه کرد و هدایای گرانبهائی برای او ارسال و تقاضای صلح و پیشنهاد دوستی نمود و امارت فارس را نیز باو و اگداشت تا جنگ موقوف شود. در جواب این هدایا یعقوب یک قبضه شمشیر و قدری پیاز و نان خشک نزد فرستاده خلیفه فرستاد و گفت بخلیفه بگو که اگر مردم از دست من خلاص خواهی شد و اگر زنده بمانم در آن صورت بین من و تو حکم با شمشیر است، اگر شکت خوردم بسیستان بر می‌گردم و مادام عمر بهمین نان و پیاز قناعت خواهم نمود؛ هنوز رسول خلیفه ببغداد نرسیده بود که یعقوب فوت کرد.

اما در خصوص محل وفات یعقوب و مدفن وی عجالة ابهامی وجود دارد و این ابهام ناشی از آن است که بعضی از محققین با تکاء پیارهای از منابع تاریخی محل وفات وی را شهر اهواز می‌دانند و برخی دیگر از روی منابع دیگر محل مرگ و مدفن یعقوب لیث را شهر قدیمی جندیشاپور گفته اند که باملاه وندوشاور و گند

۱ - این دونقطه مذکور هنوز در هزار سال پیش موجود بوده و در حدود العالم از آنها ذکری آمده - کتاب حدود العالم من المشرق الى المغرب - که بسال ۳۷۲ هجری تألیف شده - چاپ طهران - ۱۳۵۲ قمری صفحه ۸۹ - ۹۰.

شاپور هم آمده واکنون خراب است و وجود خارجی ندارد^۱

نکته‌ای که تا حدی این ابهام را زیادتر می‌کند اینست که عده‌ای از اهالی خوزستان حتی در خود محل جای شهر پیشین جندیشاپور را همان محل فعلی شهر اهواز کنونی میدانند بعبارت دیگر جای شهر جندیشاپور را همان اهواز قبل از اسلام و اوایل اسلام می‌شناسند در صورتی که حقیقت امر بر اشخاص مطلع پوشیده نیست و مسلم است که شهر جندیشاپور متراծ شهر اهواز نبوده بلکه مدت زمانی هردوی آنها در آن واحد وجود داشته‌اند و شواهد تاریخی آن زیاد است و محل دو شهر مورد بحث هم کاملاً مختلف است واتفاقاً مساحت بالغه زیادی هم از یک دیگر (در حدود ۱۴۰ - ۱۵۰ کیلومتر) داشته‌اند.

محل شهر پیشین جندیشاپور در نزدیکی شهر اهواز نیست بلکه در جنوب شرقی شهر دزفول یعنی در حوالی قریه فعلی شاه آباد واقع است^۲.

بحث درخصوص چگونگی شهر قدیمی جندیشاپور و شهرت زیادی که این شهر در زمان ساسانیان داشته و گفتوگو از هدرسه طب و بیمارستان معروف جندیشاپور و وقایع تاریخی آن که بخابی این شهر منجر گردیده از موضوع کلام ماخارج است بلکه غرض ما در اینجا فقط اشاره به مدفن یعقوب بن لیث است که مطابق گفته‌های

۱ - « بنای شهر جندیشاپور را که خرابه‌های آن در جنوب شرقی دزفول واقع است بنای بعضی اقوال بشابور دوم و بنابر برخی اخبار یکه پیشتر طرف و توق است بشابور اول نسبت میدهند ... » و در اینزمان خرابه‌های جندیشاپور به شاه آباد معروف است ... ۲ - بار تولد جفراء‌بی‌تاریخ ایران - ترجمه حمزه سرادور طالب زاده طهران ۱۳۰۸ - صفحه ۲۴۱ - ۲۴۲ و ضمناً بار تولد اشاره مینماید که یعقوب بن لیث در نظر داشت شهر جندیشاپور را بایاتختی خود انتخاب کند (ایضاً صفحه ۲۴۲)

۲ - در باب محل وفات و مدفن یعقوب بن لیث بعقیده ما هیچ‌گونه شک و تردید وجود ندارد.

ابن خلکان که بهترین و مفصلترین شرح حالها را از روی مآخذ بسیار معتبر و قدیمی نوشته، همچنین مؤلف تاریخ سیستان وفات یعقوب را بصراحت تمام در ماه شوال از سال ۲۶۵ در محل جندیشاپور نوشته‌اند، کسی هم که اهواز را محل مرگ یعقوب دانسته‌اند قطعاً غرضشان شهر اهواز نبوده بلکه کوره یعنی ولایت اهواز بوده است که جندیشاپور در آن زمان از مضافات و آبادیهای آن کوره بشمار میرفته است (بادکار)

صريح مورخين قدیم در آن شهر بوده و از ابن نظر شاید اشاره بقول مؤلف کتاب حدود العالم کافي باشد .

وی که در هزار سال پيش يعني در يك قرن بعد از فوت يعقوب (بطور دقیق تر قریب ۱۰۷ سال قمری پس از وفات وی) کتاب خود را نوشته در این باب چنین میگوید: «وندشاور شهر است آبادان و با نامت بسیار گور يعقوب لیث آنجاست ۱» با توجه به مراتب فوق در تابستان گذشته نگارنده از توقف فعلی خود در خوزستان استفاده نموده در صدد برآمد که بمحل وفات يعقوب لیث رفته در این باب تحقیقات محلی بجا بیاورم تا شاید آثاری از مدفن این مرد بزرگ بیابم . از حسن اتفاق در طی تحقیقات مقدماتی کمک در باب موضوع جندیشاپور و شاه آباد و راجع بمحل سکونت يعقوب لیث در خوزستان و در باره مدفن وی که نگارنده هنوز در اهواز تصوّر می نمودم ناجوان منور الفکری از لیسانسیه های حقوق از اهالی اهواز يعني آقای سید محمد علی هر تضوی منسوب بیکی از خانواده های تجار عمده شهر آشنا شدم . ایشان فرمودند که در حدود شانزه هفده سال پیش بین راه دزفول و شوشتر در چند فرسخی دزفول چون هاشین خراب شده بود ناچار بقریه ای در نزدیکی جاده رفتند . در این قریه که اسمش شاه آباد است چند ساعتی اجباراً توقف نمودند و بدین قبری که بنا بعییده اهل قریه اهامت اداهایست توجه کردند .

ایشان می گویند که در آن وقت در آن محل کتبیه ای بر روی دیوار بخط عربی قدیمی وجود داشت و در آن اسم يعقوب لیث را بالصراحت نوشته بود و عقیده ایشان اینست که قبر يعقوب بن لیث همانجا بوده است .

بس از مطالعات ممکنه در باب این موضوع از روی منابع کتبی که در کتابخانه شخصی نگارنده و در کتابهایی که در اهواز موجود است و استفاده از اطلاعات آقای مرتضوی از ایشان دعوت و تقاضا نمودم که با هم با آن محل برویم ، ایشان هم این تقاضا را با کمال صمیمی استقبال فرموده و در تدارک وسایل توقف در دزفول و راهنمایی

و تمهیل مسافرت فرعی از دزفول بشاه آباد هیچ‌گونه مضايقه نفرمودند تا آنکه در در روز دوشنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۳۲۲ نگارنده و ایشان و آقای حجتی رئیس غله خوزستان صحبتگاه از اهواز حرکت کردیم و در حدود ساعت ۱۰ بمحل رسیدیم و پس از مدت چندی که مشغول مطالعات از نزدیک و عکس برداری و تحقیقات محلی در شاه آباد بودیم شب همان روز باهواز مراجعت نمودیم.

خلاصه مطالعات و مشاهدات محلی اینجانب این است که آثاری از شهر جندیشاپور در سه فرسخی جنوب شرقی دزفول در سمت جنوب غربی از جاده دزفول بشوستر بشکل تپه‌های خاکی مخرقه (یا باصطلاح محلی کلانها) وجود دارد که اگرچه از مشاهده صورت ظاهر آنها آزار دبور و برجهای شهر هنوز محسوس و نمایان شده است ولی همه آنها خراب و اغلب قسمت‌های آنها با سطح زمین اطراف یکسان شده.

این آثار در قسمت جنوبی قریه شاه آباد واقع است و غالباً اهالی اطراف راجع بآنها اظهار بی اطلاعی می‌کنند و نمیدانند که این خرابه‌ها متعلق به شهری بوده است اما در قریه شاه آباد کاملاً مشخص و در میان اهالی اطراف مشهور است.

در این قبه‌گنبدی وجود دارد که از دائره‌های کثیر الأضلاع تشکیل شده و مخروطی شکل بنظری آید و بگنبدانیال معروف که در همین خوزستان است و صورت آن در روی اسکناسهای پنج ریالی فعلی چاپ شده خیلی شبیه است و هرگاه ساختمان کنونی قبر دانیال که کارکنان هیئت باستان‌شناسی فرانسه در شورش بنای آنرا در حدود قرن پانزدهم میلادی (قرن نهم هجری) تخمین زده‌اند ۲ درست باشد باقی ساختمان گنبد شاه آباد هم در این حدود فرض شود زیرا که این بنا هم از هر

- ۱ - شرح چهارگانگی ساختمان قبر دانیال در مقاله آقای محمد معین بنوان گردش علمی دانش آموزان مقدماتی اهواز در مجله تعلیم و تربیت - فروردین ماه ۱۳۱۶ - صفحه ۲۹-۲۸
- ۲ - آقای محمد معین گردش، علمی دانش آموزان مقدماتی اهواز (مذکور در صفحه ۴۵-۵۱ ایراد و در صفحه ۴۵ مقاله اخیر عکس قبر دانیال هم‌جا داده شده است).
- ۳ - آقای محمد معین گردش، علمی دانش آموزان مقدماتی اهواز (مذکور در فوچه ۲۹)

حيث با گنبد دانیال شیاهت کامل را دارد و با آن همنگ است چنانکه از مشاهده تصویر آن مسلم میشود.

و اما راجع باینکه آیا این گنبد در واقع آرامگاه دائیی یعقوب بن لیث است یا نه فعلاً باید گفت که با اینکه اهالی اطراف این گنبد را امامزاده شاه ابوالقاسم میگویند باز باحتمال بسیار قوی این بنا همان مدفن یعقوب لیث است چه از قرائن و اشارات وجود آن در شاه آباد یعنی در



محل شهریشین جندیشاپور و بمقابلی احترامی اهالی اطراف آن دارند و از روی کهنگی و عظمت ساختمان و سابقه افواهی و اشاره های اشخاص مطلع محل مانند آقای هرتسوی و از قرائن دیگر چنین بنظر می آید که این گنبد همان قبر مورد جستجو است اما با کمال تأسف باید گفت که آخرین مدرک و شاهد صریح این موضوع یعنی کتبیه ایکه آقای هرتسوی آنرا در شانزده هفده سال پیش مشاهده و خوانده بودند و افسوس است که سواد آنرا بر نداشتن امروز از میان رفته است.

گنبد هزار منسوب به امامزاده
شاه ابوالقاسم

اهالی شاه آباد هینگویند که در موقع تعمیری که چند سال پیش در گنبد روی داد آن کتبیه را کنده بودند یا اینکه روی آن گچ کشیدند و سفید کاری نمودند. در هر حال برای اینکه موضوع بکلی از یاد مردم نزود و وضع فعلی این گنبد دچار خرابی شده است و تأییج تحقیقات افواهی محلی ثابت و بکلی، فراموش نشود این مختصر مقاله در دسترس اهل علم و دوستان ادب و تاریخ گذارده هیشود تا شاید با توجه باین مقاله در این خصوص هم اشاره ها در این دیگری بدست آید و هم حال ابهامی که در این باب موجود است روشن شود.